

رسوایی ...

روزنگارِ نجیب عون - برگردان : سیامند

حقایقی هست که دیگر نمی‌توان پنهان‌شان کرد، شیادی‌هایی هست که افشا کردن‌شان تبدیل به ضرورت شده است. یک تغییرِ جهتِ سیاسی فضاحت بار توجیه شده با پراگماتیسمی بزدل، با «مصالح عالی»ای که دشنامی است به هوش و اندیشه، به عقل سلیم.

شرم باد بر رژیم‌های عربی که دست قاتلین و جنایت‌کاران را باز گذاشته‌اند، که در مقابلِ قتلِ عام سکوت را برگزیده‌اند، شرم بر اتحادیه‌ای کشورهای عرب که تبدیل به باشگاهِ بازنشستگانِ پیری شده که بیشتر نگران حفظِ داشته‌های ناچیزشانند تا دفاع و پشتیبانی از آن چیزهایی که می‌تواند آرامش طولانی مدت‌شان، رخوتِ اطمینان بخش‌شان را مختل کند.

ننگ بر کشورهای [دولت‌های] عربی که برای ماندنِ شان در قدرت، و داشتن تضمینی برای ثباتِ منطقه‌ای شکارچیان جنایت پیشه را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دهند. یک جهانِ عربیِ جا زده که پیش از این وسیعاً بی‌عرضگی خود در مقابلِ اسرائیل را به همه جا گسترده و به نمایش گذاشته، که ویروس تفرقه را میانِ فلسطینی‌ها رواج داده و امتیازِ دفاع از حقوقِ نقض شده، پایمال شده و مصدوم و مجروح بشر در سوریه‌ای خاندانِ اسد را به ترکیه‌ای، نه عرب، بلکه به‌رحال مسلمان واگذار کرده است.

ننگ بر کشورهای عضو شورای امنیت که در کوریِ خود خوشند، که به جارچیان بهار دمکراتیک تنزل یافته‌اند و لجوجانه در صدد تشریح و جدا سازیِ ذره کاهی از چشمِ همسایگانند، در حالی که شاه تیر کُره‌ای چشم‌شان را متورم کرده.

ننگ بر رهبران روس که حاضر نیستند بپذیرند که دوران تغییر کرده و منافعِ استراتژیکِ آنان در منطقه‌ای خاورمیانه دیگر نمی‌تواند توسط رژیم‌های فاسد تامین شود. شرم بر کرملین نشینانِ کاملاً پرت از مرحله، که لجوجانه تصور می‌کنند که یک پراگِ دیگر در دمشق، با ابزارِ محلی، همچنان ممکن است و بهتر است با یک دیکتاتور که در اختیار خودشان است گفتگو کنند، تا جایگزینی که طعم و بویِ آزادی داشته باشد.

ننگ بر وارثانِ سرکوبِ تینِ آن من که از نظر آنها تنها نمایشِ عمومیِ ساده ای یک گلِ یاس از زمانِ انقلابِ تونس، نشانه ای فراخوانی به انقلاب است. شرم بر رژیمی که چشم از قتلِ عامِ جاری برمی‌دارد و تنها یک اشتغال ذهنی بیش ندارد: مانع رسیدنِ ایده‌های اصلاحی به جوانانی که تشنه ای تغییرند بشود.

مسکو و پکن، این دو قدرت آن روزی که از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده کنند، روزی که مانع صدور قطعنامه ای پیشنهادی لندن و پاریس، که رژیم سوریه را برای سرکوب وحشیانه ای اعتراضات توده ای مورد تحریم قرار می‌دهد، شوند؛ همچون رسوایانِ افکارِ عمومی بین المللی انگشت نشان خواهند شد، همچون دو دولتی که جنایت علیه بشریت را تحمل می‌کنند، معرفی خواهند شد.

و در آخر، ننگ بر سیاستمداران لبنانی ای که هذیان می‌گویند، که هر بار که دهان می‌گشایند جز دروغ نمی‌گویند؛ اسهال کلامی ای به کار می‌گیرند و مورد سوء استفاده قرار می‌دهند تا چهره ای حقیقت را بپوشانند، وقایع را به نحو دیگری نمایش دهند، توجیه ناپذیر را توجیه کنند. گفتاری جنایت بار، خون ریزتر از گلوله، تنزل یافتگانی تا حد پادوهای جلاد، به بهای جان و مالِ قربانیان. همان جلادی که تحقیرشان کرده، آنها را به پست ترین نوکری ها واداشته، همان هایی که امروزه برایش شرایطِ تخفیفِ جرم می‌یابند، که در آرزوی تداوم حیاتش هستند و «بلیط‌های یکسره» برای قربانیانِ همین جنایت پیشه صادر می‌کنند.

ننگ بر همه ای آنانی که اجازه دادند رژیم لوزان و بی‌ثبات خود را در لبنان مستحکم کند، از صحنه ای لبنان استفاده کند تا اعمالِ شنیع خود را بپوشاند، تا توجه و اذهان را از جنایاتِ انجام گرفته در «شکارگاهِ اختصاصی» اش منحرف کند.

شرم، برایتان بگویم ...

روزنامه ای لبنانی L'orient le Jour